

حق هتک هیچ انسانی را نداریم؛ در هر کجا و در هر حکمی اما بعضی از آقایان در ایران این مسائل را در حق بهائی‌ها برنمی‌تابند| حق نداریم کسانی را که در ایران به دنیا آمده‌اند و به خدا معتقد نیستند بکشیم، از کشور بیرون کنیم و او را مرتد یا نجس بدانیم. این شک مقدس است| در موضوعات خارجی نمی‌شود از قول مراجع تقلید کرد.

آیت اعلیٰ بروجردی عنوان کرد؛



آیت اعلیٰ بروجردی در دیدار با شیخ هادی محمد اللواتی العمائی اظهار داشت:

فقه اسلامی برای انسان حقوق و کرامت قائل است.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از شفقتا، او ادامه داد:

از نظر فقه شیعه اگر کسی مسلمان نباشد این‌طور نیست که در جامع اسلامی و در جوامع غیراسلامی هیچ حقوقی نداشته باشد. فقه همان‌طور که برای انسان مسلمان حقوق و کرامتی قائل است برای افراد غیرمسلمان هم همین کرامت را قائل است. ما باید توجه به خدا و اخلاص پیروان سایر ادیان را هم به رسمیت بشناسیم. در عقیده، مسئله توحید مطرح است. در توحید، آن‌ها هم مثل ما هستند و فقط در احکام باهم تفاوت داریم. پس آن‌ها برای خدا کار انجام می‌دهند و کارشان می‌تواند اخلاص داشته باشد. ما باید متوجه این موضوع باشیم. امروز شیعه در هم دنیا پراکنده است. از شمالی‌ترین شهر در نروژ تا جنوبی‌ترین شهر در نیوزلند، شیعیان حضور دارند. دلیل آن هم همین رفتارهاست. در ماه رمضان، از ما درباره روزه گرفتن استفتا می‌کنند. شیعیان در هم دنیا پراکنده‌اند و در میان پیروان سایر ادیان مانند مسیحیان و یهودیان یا سایر مردمی که اصلاً دین ندارند زندگی می‌کنند.

وی همچنین گفت:

در اسلام غیبت مؤمن حرام است اما غیبت غیرمؤمن، چه مسلمان سنی باشد چه غیرمسلمان حرام نیست به این معنا که من عیبی را که او دارد برای دیگری نقل کنم. درست است که از باب غیبت حرام نیست اما از باب هتک یک انسان حرام است و با عنوان دیگری حرمت دارد. من حق هتک حرمت هیچ انسانی را ندارم. ما حق هتک هیچ انسانی را نداریم. صرف اینکه این انسان هم‌دین ما نیست، من حق ندارم او را هتک کنم. پس «وَأَمَّا تَطْيِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ» چه می‌شود؟ امروز عهدنام مالک اشتر در سازمان ملل به عنوان یکی از اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر نگهداری می‌شود و ثبت شده است. ما اگر همین حقوق بشری را که امروز دنیا از آن دم می‌زند در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌بینیم، حق نداریم کسی را هتک حرمت کنیم، چه با غیبت چه با تهمت حتی اگر وهن مذهب ما لازم بیاید، در هر کجا و در هر حکمی. درباره بحث نجاست، ما از کسانی هستیم که اهل کتاب را پاک می‌دانیم حتی مشرک یا غیر اهل کتاب را هم از نظر ظاهری نجس نمی‌دانیم فقط برای آن‌ها قذارت معنوی قائلیم لذا اگر مشرکی در آمریکا باشد و بچه نابالغ او اینجاست، این بچه هم در نجاست تابع او است. یا به عکس، اگر او آمد و مسلمان شد، این بچه کوچک خردسال هم پاک می‌شود. و پاک شدن نه به این معنا که ما او را آب می‌کشیم تا پاک شود، بلکه با همین جمله شهادتین پاک می‌شود. پس این قذارت ظاهری نیست، یک قذارت معنوی است یعنی یک انحراف معنوی است که از نظر عقید حق است. در میان شیعیان هم افکار انحرافی وجود دارد، و آن عقیده صحیح هم در بین شیعه یک عقیده صاف

خالص است. در بین آن‌ها هم همین طور است و مراتب دارد بنابراین ما حق نداریم کسی را هتک کنیم و لذا قائل هستیم که انسان از نظر ظاهری نجس نمی‌شود. ما قائل به طهارت انسان هستیم.

او اظهار داشت:

در دین اسلام کافر نباید به قرآن دست بزند و حتی مسلمانان هم نباید بدون وضو به قرآن دست بزنند و از این کار نهی شده‌اند و و لمس قرآن بی‌ضو هتک قرآن محسوب می‌شود لذا این کسی که یهودی هست یا نصرانی هست این می‌آید داخل مسجد می‌شود این را ببینید کلمات فقها چون هتک مسجد است اگر هتک نباشد. اخیراً رئیس‌جمهور فرانسه به عراق آمد و در شهر کاظمین برای ادای احترام به حرم کاظمین رفت. در عراق هم مرجع بزرگی مثل آیت‌الله سیستانی هستند اما ایشان نه یک کلمه اعتراض کردند و نه اعلامیه دادند و نه محکوم کردند لذا ورودشان به داخل حرم و مساجد هتک نیست. پیروان ادیان دیگر برای ادای احترام وارد مجالس ما می‌شوند و اشکالی هم وارد نیست. رئیس زرتشتیان، موبد موبدان، به ایران آمد و در مجلس عزاداری امام حسین علیه‌السلام سخنرانی هم کرد. ما هم از او استقبال کردیم. ما باید این احکام را بازنگری کنیم. الان ما مسلمانان در کنار بقیه انسان‌ها زندگی می‌کنیم. بسیاری از آن‌ها هم‌دین ما نیستند. حتی متدین به دین ابراهیمی هم نیستند بلکه بودایی یا هندو هستند. علما این‌ها را نجس نمی‌دانند بلکه برایشان قذارت معنوی قائل‌اند. مضافاً اینکه ممکن است در آداب اخلاقی و رعایت حقوق ما، آن‌ها بسیار مقیدتر و بهتر از مسلمانان عمل کنند. ما حق نداریم به آن‌ها و هویتشان یا به کشورشان هتاک کنیم. آن‌ها هم جهات انسانی دارند. در عراق آیت‌الله سیستانی مرجع هستند. ایشان با ایزدی‌ها چگونه رفتار می‌کنند؟ ایشان نسبت به آن‌ها چقدر حساسیت نشان می‌دهند؟ آیا چون مسلمان و شیعه نیستند و دینشان ابراهیمی نیست، اجازه می‌دهند داعش آن‌ها را بکشد و دخترانشان را به اسارت ببرد؟ آیت‌الله سیستانی گفتند هیچ وقت چنین نمی‌کنیم و چون در داخل مملکت ما هستند باید حقوقشان را حفظ کنیم. بعضی از آقایان در داخل ایران این مسائل را در حق بهائیان بر نمی‌تابند. بهائیان حداقل به یک چیزی معتقدند، ما داخل ایران کسانی داریم که به هیچ چیز معتقد نیستند. آیا باید آن‌ها را بکشیم؟ ما حق نداریم کسانی را که در کشورمان به دنیا آمده‌اند حتی اگر به خدا هم معتقد نیستند، بکشیم یا از کشور بیرونشان کنیم. این‌ها هم حقوقی دارند. حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی هم این حقوق مدنی را به رسمیت شناخته است. این‌ها هم حق زندگی دارند. حق کار و ازدواج و تحصیل در این کشور را دارند. حق دارند گذرنامه بگیرند و رفت و آمد داشته باشند. چرا نباید حقوق شهروندی داشته باشند؟ ما باید در فقه خود بازنگری کنیم و آن هویت واقعی فقه را تشخیص بدهیم. امروز در دنیای دیگری زندگی می‌کنیم. من حتی نظرانی در باب ارتداد دارم. این‌طور نیست که تا کسی امامان و اقا رسول الله صلوات الله علیه و آله و سلم را رد کرد، او را بکشیم. سب داستانی دیگر است اما در این خصوص هم باید مصلحت را در نظر گرفت. اگر جوانی هنوز تردیدهایی داشته باشد و بگوید هنوز به خدا معتقد نیست و می‌خواهد تحقیق کند، حق نداریم او را مرتد یا نجس بدانیم. اتفاقاً این شک از نظر من مقدس است. اگر برای مثال این شک او را به مسیحیت رهنمون شد، مرتد محسوب نمی‌شود و نباید او را کشت. طبق روایات، جهود معنایش این است که کسی حق و واقع را بفهمد و ایمان داشته باشد اما از روی دشمنی مقابله کند. چنین شخصی را مرتد می‌دانیم.

او گفت:

کشور ما درگیر مشکلات اقتصادی است. بسیاری از مردم هم باعث و بانی این مشکلات را روحانیان می‌دانند و لذا به روحانیت نظر خوبی ندارند و حتی به ائمه علیهم‌السلام هم گاهی انتقاداتی دارند اما آیا باید تک‌تک آن‌ها را بکشیم؟ الان شرایط زمانی تفاوت کرده و دیگر احکام کتب ضلال موضوع ندارد. چون وقتی ما از کتب ضلال حرف می‌زدیم، علتش این بود که بین اجتماع مسلمانان شبهه ایجاد می‌کرد و باعث گمراهی می‌شد و ما می‌گفتیم نباید باشند. امروز موبایل‌ها قابلیت دارند که تمام آثار مکتوب از هر مذهبی و از هر شخصی را نشان دهد. اینجا دیگر موضوع کتب ضلال چیست؟ پس الان وظیفه ما تفاوت کرده و باید به جای کوبیدن دیگران و لعن سنی و مسیحی و... فقط اندیشه خودمان را عرضه کنیم و بگوییم چه داریم، علی‌بن‌ابی‌طالب چه دارد و... ما می‌گوییم اولی‌الامر معصوم‌اند حتی قول مرجع تقلید با هم قداستش، جز در فتوا، حجت نیست یعنی در موضوعات قول او حجت نیست فقط در فتوا حجت است، آن هم از باب اینکه در احکام تخصص دارد مثل طبیب که قول او در امور طبی حجت است. قول مراجع در موضوعات خارجی حجت نیست و نمی‌شود از آن‌ها تقلید کرد. خود شخص باید تحقیق کند. لذا وظیفه ما به عنوان شیعه این است که باید معارف اهل بیت علیهم‌السلام را عرضه کنیم. لازم نیست دیگر ادیان و مذاهب را بگوییم و اشتباهات آن‌ها را عرضه کنیم. امیدوارم که جوانان مسلمان ما آگاهی پیدا کنند و به من مسلمان شیعه یا حتی به من روحانی مسلمان نگاه نکنند بلکه به علی‌بن‌ابی‌طالب بنگرند. ممکن است من در مسیر علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام نباشم. جوانان باید علی را بشناسند و تبعیت کنند؛ حسین را بشناسند و تبعیت کنند. حتی گاندی هندی هم به امام حسین علیه‌السلام معتقد بود. جرج جرداق مسیحی به علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام معتقد بود و کتاب [http://www.espadanakhbar.ir](#) را نگاشت. بانوان باید به فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها نگاه کنند، به مجاهدات ایشان، به خطبه فدکیه ایشان، به خطبه بین مهاجر و انصار؛ به حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها بنگرند ولی به من نگاه نکنند و عمل من را ملاک نگیرند بلکه در آن معیارهای اساسی دقت کنند. ما در مرجعیت شیعه رسالت بزرگی داریم. روزگار ما با روزگار گذشته تفاوت دارد. تکفل ایتم آل محمد اقتضا می‌کند ما حافظ حقوق شیعه در سرتاسر دنیا باشیم. نباید دیگران را بگوییم تا شیعه قوی شود. شیعه هم مثل دیگران باید از حقوق مدنی در هر کشوری برخوردار باشد. در این مسیر هم هر کاری لازم است، باید انجام بدهیم و با گروه‌ها و مذاهب و دولت‌ها و حزب‌ها مذاکره کنیم.

- [فرهنگ](#) [2]
[حقوق بشر](#) [3]
[حقوق شهروندی](#) [4]